مواجهه با ده چالش مهم در کتابخانه‌های عمومی

سخن مترجم

کتابخانه به مثابه «یک نهاد اجتماعی» است که همانند سایر نهادهای اجتماعی مردمی از جامعه تأثیر می‌پذیرد و بر جامعه اثر می‌گذارد. کتابخانه‌های عمومی نیز از نظر تعامل با نظام آگاهی‌ها، اندیشه‌ها و دانش مردم به طور بالقوه سطح تأثیرگذاری وسیع و در عین حال عمیقی بر جامعه دارد. در بنیاد کتابخانه عمومی هدف اجتماعی مافوق همه‌چیز است و صاحب‌نظران، کتابخانه را به چشم وسیله‌ای برای خدمات اجتماعی می‌نگرند؛ بنابراین ارزش کتابخانه‌های عمومی از طریق کاربرد زیاد آن‌ها مشخص می‌شود. نویسنده این مقاله مارک اسمیت بیش از ۳۵ سال تجربه در کتابخانه سه ایالت و در انواع مجموعه‌های کتابخانه دارد و به عنوان مدیر و کتابدار ایالتی کمسیون کتابخانه و آرشیو ایالت تگزاس خدمت کرده است. وی در این مقاله سعی می‌کند تا ده چالش پیش‌روی کتابخانه‌های عمومی ۲۰۱۹ جامعه آمریکا را به تصویر بکشد.

——

کتابخانه‌های عمومی امروز در یک نقطه حساس قرار دارند. با نزدیک شدن به پایان قرن بیستم، ما در مورد اینکه آیا کتابخانه‌های عمومی منسوخ می‌شوند، دست‌نوشته‌های زیادی شنیدیم و با سؤالات مداوم درباره این که کتابخانه‌ها چگونه می‌توانند در عصر اطلاعات آنلاین باقی بمانند، روبرو بودیم. نزدیک به ۲۰ سال بعد، کتابخانه‌ها با موفقیت جایگاه خود را به عنوان ستون‌های اصیل جامعه برای یادگیری رسمی و غیررسمی، دسترسی به فناوری، توسعه نیروی کار و تعامل جامعه تثبیت کردند.

اما در حالی که کتابخانه‌های عمومی خود را مجدداً به عنوان عنصر اصلی زیرساخت‌های اجتماعی معرفی کرده‌اند تا اصطلاح ابداع شده توسط اریک کلینبرگ[1] در کتاب خود، کاخ‌ها برای مردم (۲۰۱۸) را اقتباس کنند؛ تهدیدات مربوط به سامان این نهاد همچنان باقی است. از منظر من به عنوان یک کتابدار ایالتی- و صرفاً از دیدگاه من- در زیر مواردی وجود دارد که به نظر می‌رسد بیشترین نگرانی را برای سلامتی و پویایی طولانی‌مدت کتابخانه‌های عمومی داشته باشند.

- رشد عدم اعتماد به دولت

برای کتابخانه‌های عمومی- به عنوان واحدی از دولت در سطح شهر یا بخش- افزایش روزافزون درصد آمریکایی‌هایی که به دولت اعتماد ندارند، نگران‌کننده است. در سال ۱۹۵۸، ۷۳ درصد از آمریکایی‌ها گفتند که به دولت فدرال اعتماد کرده‌اند تا تقریباً همیشه یا بیشتر اوقات «آنچه را که درست است» انجام دهد. در سال ۲۰۱۵، این میزان ۱۹ درصد بود (مرکز تحقیقات پیو ۲۰۱۵ «فراتر از عدم اعتماد»). به نظر می‌رسد که این روند در میان خطوط جمعیت‌شناختی و ایدئولوژیکی تغییر می‌کند، حتی بسته به اینکه چه کسی در واشنگتن قدرت دارد، در امتداد خطوط حزبی جابجا می‌شود (مرکز تحقیقات پیو ۲۰۱۷). این دیدگاه کم‌نظیر دولت به ویژه ویژگی‌های نگرش به سطح فدرال است که به عملکردهای کتابخانه‌ها در سطح فدرال و ایالتی آسیب می‌رساند و به طور غیرمستقیم بر کتابخانه‌های عمومی محلی از طریق از دست دادن بودجه، بیان سیاست و منزلت تأثیر می‌گذارد. آیا درک دولت محلی مثبت‌تر است؟ احتمالاً، اما نگرانی اساسی بسیاری از روندهای مشخص شده در این مقاله یک عدم اعتماد کلی در نهادهای عمومی است.

در حال حاضر کتابخانه عمومی، نهاد عمومی نادری است که این روند را ارائه می‌دهد. بر اساس یافته‌های مطالعه مهم کتابخانه‌های مرکز تحقیقات پیو ۲۰۱۶ (هوریگان ۲۰۱۶)، ۶۶ درصد از آمریکایی‌ها می‌گویند که بستن کتابخانه عمومی محلی می‌تواند تأثیر عمده‌ای بر جوامع آن‌ها داشته باشد و این درصد در بین برخی گروه‌های جمعیت‌شناختی از جمله زنان و فارغ‌التحصیلان دانشگاه بیشتر بود. امیدوارم به همان صورت بماند، اما ضرب و شتم مداوم لفاظی‌ها درباره هجوم به اصطلاح «دولت عمیق» باعث تضعیف اعتماد عمومی به همه سطوح دولت و کاهش درک کارمندان عمومی – از جمله کتابداران و کارمندان کتابخانه‌ها – به بوروکرات‌های خودخدمت در بین اکثریت مردم می‌شود. به عنوان مدیران و کارمندان سازمان‌های بخش عمومی، این روند باید ما را به همان اندازه نگران سازد.

- فرسایش ایمان به اطلاعات علمی

تمامی حقوق برای مجله کتابدار 2.0 محفوظ است. نقل مطالب مجله تنها با ذکر منبع و نام نویسنده مجاز است.

در رُمان ترسناک‌زمستان‌های ایالت طلایی(۲۰۱۹) توسط بن اچ. [۲] زمستان‌ها آینده‌ای دور را تصور می‌کند که حقیقت علمی مهم‌ترین ارزش جامعه است و سوابق رسمی – شما آن را حدس زدید- با اطمینان توسط کتابداران حفظ می‌شود. همان‌طور که شخصیت اصلی در هنگام ورود به سالن سوابق دائمی مشاهده می‌کند، «این افراد متولی سوابق هستند. آن‌ها کتابدار هستند و رفتار احمقانه انجام نمی‌دهند» (۱۲۷). متأسفانه، دنیای پس از آخرالزمانی‌ایالت طلایی گذشته‌ای ناشناخته و ناآگاهانه را به دست آورده است که در آن حقیقت چنان تخریب شد که به طرز فجیعی پایه‌های جامعه را تضعیف کرد و منجر به نابودی جهان شد؛ به عبارت دیگر، گذشته‌ای که مانند اکنون ما ناراحت‌کننده به نظر می‌رسد.

بعضی از ما در یک سن خاص می‌توانند به یاد بیاورند وقتی مردم در مورد حقایق اساسی توافق کردند، وقتی علم به عنوان انجیل در نظر گرفته شد و ما به دنبال متخصصان دانشگاه، دولت و صنعت بودیم. در حالی که تحقیقات نشان می‌دهد که اعتماد عمومی به دانشمندان از دهه ۱۹۷۰ نسبتاً پایدار مانده است (گرچه تنها ۴۴ درصد از بزرگسالان ایالات‌متحده «حد زیادی از اطمینان» را گزارش می‌دهند) اختلاف نظرهای عمیقی در مورد برخی موضوعات مانند تغییرات آب‌وهوا و علوم غذایی وجود دارد. در همین حال، با همان نظرسنجی، تنها ۳۷ درصد از بزرگسالان آمریکایی گزارش می‌دهند که به پزشکی اطمینان بسیار زیادی دارند و تنها ۱۳ درصد به مطبوعات اطمینان دارند (فانک و کندی ۲۰۱۹). بنیاد نایت (۲۰۱۸) ثبت کرده است که چگونه مسئله اعتماد به رسانه‌ها به ویژه به عنوان بخش‌های قابل‌توجهی از بی‌اعتمادی عمومی به اخبار دریافت شده به طور فزاینده‌ای به سمت منابع غیرعلمی اطلاعات می‌رود.

این روند نگران‌کننده است زیرا آنچه را که ما همیشه به عنوان منابع معتبر اطلاعات تلقی می‌کردیم تضعیف می‌کند و توانایی افراد در تصمیم‌گیری درباره زندگی، خانواده‌ها و جوامع خود را نیز تضعیف می‌کند و در حالی که به نظر می‌رسد مردم همچنان اعتماد بالایی از صحت اطلاعات از کتابخانه‌ها دارند، من نگران هستم که دقیقاً همان‌طور که مشاهده کردیم، قابلیت اطمینان اطلاعات از منابع دیگر از بین می‌رود، مردم می‌توانند ایمان خود را نسبت به صحت اطلاعات کتابخانه نیز از دست دهند و یکی از مهم‌ترین ستون‌های ارزش کتابخانه برای جامعه را تضعیف کنند.

- کاهش تمدن و مشارکت مدنی

یک پیامد اجتناب‌ناپذیر از دست دادن ایمان به دولت، نهادهای عمومی و اطلاعات علمی از دست دادن مشارکت مدنی است که توسط شاخص‌هایی مانند داوطلبانه بودن و عدم مشارکت در زندگی مدنی، از جمله رأی‌گیری اندازه‌گیری می‌شود. در سال ۲۰۱۳، تنها ۳۶ درصد از بزرگسالان آمریکایی در نهادهای مدنی مشارکت کردند که یک کاهش سه درصدی تنها در دو سال بود (مگان ۲۰۱۵).

کتابخانه‌ها می‌توانند و باید پادزهری برای تضاد و تجزیه اجتماعی باشند. همان‌طور که اریک کلینبرگ می‌نویسد، «ساخت مکان‌هایی که همه افراد بتوانند در آن جمع شوند بهترین راه برای ترمیم جوامع شکسته‌ای است که ما امروز در آن زندگی می‌کنیم» (کلینبرگ ۲۰۱۸، ۱۱). وی در ادامه می‌افزاید: «کتابخانه‌ها از مهم‌ترین اشکال زیرساخت‌های اجتماعی هستند که ما داریم» (۳۲)؛ اما چه اتفاقی می‌افتد که از دست رفتن کلی ایمان به دولت و نهادهای عمومی بیشتر ریشه در سطوح محلی دولت داشته باشد؟ من می‌ترسم که این امر از بین رفتن مشارکت با نهادهای مدنی مانند کتابخانه، از جمله ترس روزافزون از تعامل با یکدیگر در یک فضای عمومی و از دست دادن علاقه و یا زمان داوطلب شدن در کتابخانه باشد.

در شهری که من در آن زندگی میکنم، از والدین می‌شنوم که می‌گویند می‌ترسند فرزندان خود را به سمت کتابخانه عمومی زیبای جدید آستین[۳] ببرند زیرا حضور افراد بی‌خانمان آن‌ها را آزار می‌دهد. به نظر من نمونه‌ای از پیچیده شدن یک مشکل با چند مورد دیگر است. از آنجا که فرسایش طبقه متوسط ناگزیر منجر به بی‌خانمان شدن بیشتر می‌شود و کمبود شکل‌های دیگر زیرساخت‌های اجتماعی، بی‌خانمان‌ها را به کتابخانه‌ها می‌فرستد، افراد با عقب‌نشینی از مشارکت در اماکن عمومی واکنش نشان می‌دهند و منجر به بدتر شدن همه موارد فوق می‌شود. پاسخ معمول من به چنین والدینی این است که به فرصت استفاده از این وضعیت به عنوان موقعیت آموزنده برای یادگیری نگاه کنند، اما بعضی‌اوقات این مانند یک بحث سخت برای فروش به نظر می‌رسد.

- ناپدید شدن طبقه متوسط

روند نگران‌کننده دیگر افزایش نابرابری درآمد و ناپدید شدن طبقه متوسط است. شاید به آسانی متوجه نشوید که چرا این یک موضوع به ویژه نگران‌کننده برای کارهای کتابخانه است؛ اما برای لحظه‌ای تاریخچه بنیادین کتابخانه عمومی را به

تمامی حقوق برای مجله کتابدار 2.0 محفوظ است. نقل مطالب مجله تنها با ذکر منبع و نام نویسنده مجاز است.

خاطر بیاور که همواره نهادی بوده است که کاملاً ریشه در آرمان‌های طبقه متوسط داشته است. اندرو کارنگی[۴] که اصطلاح «کاخ‌ها برای مردم» را به وجود آورد، معتقد بود که قدرت بالقوه کتابخانه عمومی برای ثروتمندان نیست، اما طبقه‌های متوسط کوشا که سعی داشتند خود را از حقارت دور کنند، می‌توانند از طریق خودآموزی، غنی‌سازی فرهنگی و مشارکت مدنی به پتانسیل‌های خود برسند. کتابخانه‌ها می‌توانند و در خدمت فقرا هستند، اما با افزایش نیازهای آن‌ها و با افزایش شبکه‌های ایمنی مسئولیت سنگینی که به عهده کتابخانه‌ها گذاشته می‌شود ممکن است ظرفیت پاسخگویی کتابخانه را تحت شعاع قرار دهد.

از سال ۱۹۷۰، نسبت جمعیتی که طبقه متوسط محسوب می‌شوند به طرز چشم‌گیری کاهش یافته است. پیو در گزارش ۲۰۱۵ با عنوان «طبقه متوسط آمریکایی در حال از دست دادن زمین است»، نشان داد که آمریکایی‌های با درآمد متوسط دیگر اکثریت جامعه نیستند و بین سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۴، درآمد کل به خانواده‌هایی با درآمد بالا از ۲۹ به ۴۹ درصد افزایش یافته است. سهم بزرگسالانی که در خانواده‌هایی با درآمد متوسط زندگی می‌کنند نیز در حال کاهش است.

برای نهادی که بر اساس آرمان‌های طبقه متوسط بنا شده باشد، این روند نگران‌کننده‌ای است، اما پیامدهای دیگری نیز دارد. به عنوان مثال، یک مشکل مرتبط با آن عدم امکان‌پذیری بسیاری از حوزه‌های شهری است که استخدام و حفظ کارمندان واجد شرایط کتابخانه را برای دستمزدی که کتابخانه‌ها می‌توانند پرداخت کنند دشوارتر می‌کند. هزینه‌های بالای املاک و ساخت‌وساز در مناطق شهری همچنین می‌تواند باعث شود که ساختن، بازسازی و یا نگهداری از ساختمان‌ها برای برخی از شهرها گران تمام شود. نابرابری درآمدی مشکلات دیگری را که به شدت در کتابخانه‌های عمومی احساس می‌شود، از جمله بی‌خانمانی، به دنبال دارد. سوزان اورلئان[۵] در کتاب پرفروش خود درباره کتابخانه عمومی لس‌آنجلس از سال ۱۹۸۶، کتاب کتابخانه (۲۰۱۸)، درباره بی‌خانمانی اظهار داشت: «بسیاری از کتابداران به من گفتند که آن‌ها این مسئله را در حال حاضر مطرح می‌کنند» (۷۳). به نظر می‌رسد که این وضعیت احتمالاً به دلیل ایجاد شبکه‌های ایمنی برای سلامت روان، چالش‌برانگیزتر می‌شود و سایر خدمات اجتماعی تحت تأثیر قرار می‌گیرند و شاید بودجه اساسی را از دست دهند.

- شورش مالیاتی و استبداد برگشت سرمایه‌گذاری

از آنجا که دولت با یک شورش مالیاتی فوری فزاینده روبرو شده است که این تاریخ حداقل به سال ۱۹۸۵ با تأسیس آمریکایی‌ها برای اصلاحات مالیاتی، همراه با بی‌اعتمادی کلی به دولت مربوط می‌شود (به مورد اول در بالا مراجعه کنید)، کتابخانه‌ها مانند همه جنبه‌های بخش دولتی، مجبور شده‌اند که راه‌های خلاق موجودیت خود را توجیه کنند. این به خودی خود چیز بدی نیست. پاسخگویی مهم است و کتابخانه‌ها و سایر خدمات بخش دولتی باید در قبال مالیات‌دهندگان پاسخگو باشند. طرفداران کتابخانه بیش از حد برای پیروزی در روز بر استدلال‌های مربوط به خیر ذاتی اجتماعی متکی بودند. کتابخانه‌ها کاملاً در معرض بررسی موشکافانه قرار دارند. برای مبالغ ناچیزی که به طور کلی کتابخانه‌ها دریافت می‌کنند، می‌توانند برگشت قابل‌توجهی از سرمایه‌گذاری را نشان دهند. بسیاری از مطالعات برگشت سرمایه‌گذاری وجود داشته‌اند که این نکته را اثبات کرده‌اند، از جمله مطالعه ما در ۲۰۱۲ در تگزاس که در سال ۲۰۱۷ تجدید شده است. مطالعه ما که توسط دفتر تحقیقات تجاری دانشگاه تگزاس (۲۰۱۷) انجام شده، نشان می‌دهد که برای هر دلار که در خدمات کتابخانه‌ای سرمایه‌گذاری می‌شود، جوامع شاهد برگشت حداقل ۴.۶۴ دلار هستند و این یک برآورد محافظه‌کارانه است.

تنها مشکل این است که چنین تحلیل‌هایی برخی از مهم‌ترین کارهایی که کتابخانه‌های عمومی برای جامعه انجام می‌دهند را بی‌ارزش می‌کند. چگونه یک مطالعه توسعه اقتصادی می‌تواند ارزش دلار را به نقشی که در آموزش خواندن کودکان بازی می‌کند برگرداند، در تمرکز کودکان روی یادگیری در ماه‌های تابستان، تأمین فضای امن برای نوجوانان در تعامل مثبت بعد از مدرسه، یا در تأمین شاهراه خواندن و اطلاع‌رسانی برای یک فرد بالغ؟ مطالعات برگشت سرمایه‌گذاری می‌توانند روش‌های ایجاد کتابخانه‌های جوامع پایدار را با آموزش مهارت‌های علوم، فناوری، مهندسی و ریاضیات در فضاهای سازنده، یا کمک به افراد برای یافتن مشاغل و شروع کسب‌وکار شناسایی کنند؛ اما چه پروژه‌هایی مانند ابتکار بی‌خانمان کتابخانه عمومی دالاس، پروژه باغبانی جامعه کتابخانه عمومی آل‌پاسو یا ابتکارات هنرهای جامعه کتابخانه عمومی پلانو؟ از آنجا که این سرویس‌ها در مقایسه با تحلیل برگشت سرمایه‌گذاری مقاوم‌تر هستند، آیا اهمیتی ندارند؟ آیا باید از گردش به طور کلی دست برداریم، زیرا خواندن برای لذت بردن شخصی از تجملاتی است که نمی‌توان از آن استفاده کرد؟ آیا دیگر نباید ساعت‌های داستان پیش‌دبستانی خود را حفظ کنیم زیرا ما نمی‌توانیم در سنین کودکی برچسب قیمت را برای ارزش ارتباط کودکان با کتاب‌ها در سنین پایین قرار دهیم؟ اکثر طرفداران کتابخانه موافق هستند که چنین خدماتی برای رسالت ما اساسی است، اما ما هنوز کاری کافی و مؤثر برای بیان ارزش فراتر از برگشت سرمایه‌گذاری انجام نداده‌ایم.

تمامی حقوق برای مجله کتابدار 2.0 محفوظ است. نقل مطالب مجله تنها با ذکر منبع و نام نویسنده مجاز است.

- کاهش محدوده توجه

مانوش زمردی[۶] ، نویسنده فناوری و صاحب پادکست (۲۰۱۷) در کتاب جذاب خود،کسل‌کننده و درخشان (۲۰۱۷) به طور مفصل درباره اثری می‌نویسد که تلفن‌های هوشمند و سایر دستگاه‌ها بر توانایی تمرکز ما دارند. زمردی یک مورد متقاعدکننده را ایجاد می‌کند که تلفن‌های هوشمند نه تنها باعث می‌شوند که توانایی تمرکز روی بخش‌های طولانی‌تر از اطلاعات را از دست ندهیم، بلکه تجربه بسیار ارزشمند بی‌حوصلگی را متوقف می‌کنند. او به تحقیقاتی اشاره می‌کند که نشان می‌دهد اجازه دادن به سرگردانی ذهن‌هایمان منجر به تفکر خلاق و حل مسئله می‌شود. ما تمایل داریم که از تلفن‌های هوشمند استفاده کنیم تا از وقوع چنین لحظه‌هایی جلوگیری کنیم. جوانان به ویژه با استفاده از ابزارها، مستعد رفتار اعتیادآور هستند. در سال ۲۰۱۵، ۷۷ درصد از افراد ۱۸ تا ۲۴ ساله پاسخ دادند که وقتی آن‌ها خسته بودند، احتمالاً به تلفن‌هایشان می‌رسیدند (بورلی ۲۰۱۵).

برخی از ما ممکن است فکر کنیم که این رفتار یک جنبه طنز دارد، به ویژه وقتی متوجه می‌شویم بسیاری از افراد اطراف ما در تمام روز به گوشی‌های هوشمند خیره شده‌اند، بعضی اوقات حتی در حالی که کاملاً مجذوب شده‌اند در پیاده‌رو با ما برخورد می‌کنند؛ اما کتابداران عمومی باید پیامدها را واقعی و نگران‌کننده بدانند. کتابخانه‌های عمومی به طور سنتی درباره تفحّص عمیق‌تر، تأمل متفکرانه بوده‌اند. ما اغلب نعمت سرگردانی در میان مخازن کتابخانه‌ای را که ممکن است لذت‌بخش باشد و ضرورت آن را از دست داده‌ایم که دائماً و فوراً مورد استقبال قرار بگیریم. ممکن است مردم ارزش کتابخانه‌ها را تشخیص دهند، اما وقتی ظرفیت خواندن دقیق و تفکر آرام را از دست بدهند، واقعاً چقدر از کتابخانه‌ها استفاده می‌کنند؟ به نظر من این امر به ناچار منجر می‌شود...

- کاهش خواندن

در سال ۲۰۰۴، گزارشی تکان‌دهنده از موقوفات ملی هنرها با عنوان‌خواندن در خطر ، کاهش چشم‌گیر خواندن ادبیات بین سال‌های ۱۹۸۲ تا ۲۰۰۲ را ثبت کرد. سپس دانا جیوئا[۷]، رئیس شعبه موقوفات ملی هنرها، سفر خود را به این کشور ترتیب داد و درباره نگرانی‌های خود درباره این روند صحبت کرد. در مقدمه این گزارش، جیوئا می‌نویسد: «بیشتر از خواندن در معرض خطر است. همان‌طور که این گزارش به طور واضح نشان می‌دهد، خوانندگان نقش فعال و درگیرتری را در جوامع خود بازی می‌کنند؛ بنابراین، کاهش خواندن، عقب‌نشینی بزرگ‌تری از مشارکت در زندگی مدنی و فرهنگی است» (بردشو و نیکولز ۲۰۰۴، ۷).

آیا در ۱۵ سال گذشته وضعیت بهبود یافته است؟ نه برعکس، ما همچنان خوانندگان خود را از دست می‌دهیم. موقوفات ملی هنرها همچنان به ثبت میزان بزرگسالان آمریکایی که مشغول خواندن هستند ادامه داده است. در جدیدترین گزارش، درصد بزرگسالانی که در طول سال ۲۰۱۷ هر کتابی را خوانده‌اند، ۱.۹ درصد کاهش یافته و به ۵۲.۷ درصد از جمعیت رسیده‌اند. تنها نشانه امید این است که پس از سال‌ها نزول، درصد بزرگسالانی که کتاب شعر یا نمایشنامه می‌خوانند در واقع افزایش یافته است – برای شعر به ۱۱.۷ درصد و برای نمایشنامه ۳.۷ درصد! (موقوفات ملی هنرها ۲۰۱۸).

در حالی که بررسی‌های کتاب فقط یکی از چندین کارکرد کتابخانه عمومی است، کتاب، کتاب خواندن، برنامه‌نویسی مربوط به کتاب و خدمات سوادآموزی همچنان یک کارکرد اصلی کتابخانه عمومی است. حتی اگر این خدمات اصلی مهم نبودند، اظهارات دانا جیوئا در مورد رابطه خواندن با انسجام اجتماعی و مشارکت مدنی ما را به برخی از دلایل اینکه چرا نگرانی از کاهش خواندن باید نگرانی اصلی کتابخانه‌های عمومی باشد، متوجه می‌کند.

- عدم تنوع[۸]

مطابق نتایج انجمن کتابخانه‌های آمریکا، ۸۶.۷ درصد از اعضای انجمن کتابخانه‌های آمریکا خود را سفیدپوست، ۴.۴ درصد آن را آمریکایی‌های آفریقایی و خود به عنوان یک زیرمجموعه از کل، ۴.۷ درصد به عنوان «اسپانیایی یا لاتین» معرفی می‌کنند (انجمن کتابخانه‌های آمریکا ۲۰۱۷). در سال ۲۰۰۶، انجمن کتابخانه‌های آمریکا همچنین گزارشی از تنوع در حرفه تحت عنوان «تعداد تنوع» را منتشر کرد که در سال ۲۰۰۷ و بار دیگر در سال ۲۰۱۲ به روز شد و تحلیل داده‌های پژوهشگاه موزه و خدمات کتابخانه‌ای و مرکز ملی آمار آموزش‌وپرورش بود. داده‌ها حاکی از آن است که از بین همه کتابداران معتبر، ۸۵.۲ درصد سفیدپوست، ۵ درصد آمریکایی‌های آفریقایی و ۴.۸ درصد از آن‌ها لاتین هستند (انجمن

تمامی حقوق برای مجله کتابدار 2.0 محفوظ است. نقل مطالب مجله تنها با ذکر منبع و نام نویسنده مجاز است.

کتابخانه‌های آمریکا ۲۰۱۲).

این تعداد نگرانی دارند و به نظر نمی‌رسد در حال بهبود هستند. به همین دلایل، انجمن کتابخانه‌های آمریکا تنوع در حرفه را به عنوان اولویت استراتژیک انجمن تعیین کرده است. این کاملاً مناسب است زیرا اگر این حرفه نتواند نیروی کار متنوعی را جذب کند، به خصوص در سطوح حرفه‌ای و مدیریتی، کتابخانه‌های عمومی به طور فزاینده‌ای نمی‌توانند نیازهای اجتماعات خود را برآورده سازند و نسبت به واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی پاسخگو نیستند. در تگزاس، مانند سایر ایالت‌ها، درصد بخش‌های غیرسفیدپوست جمعیت با سرعتی بسیار سریع‌تر از میزان سفیدپوستان در حال رشد است. برای اینکه کتابخانه عمومی به عنوان یک نهاد مهم و حیاتی باقی بماند، ما به کارمندان کتابخانه‌ای نیاز داریم که بازتاب بسیار دقیق‌تری از آرایش جمعیت‌شناختی جوامع خود باشند.

من نگران هستم که حتی اگر اراده‌ای برای استخدام تنوع وجود داشته باشد، ممکن است حوزه متقاضیان در دسترس نباشد، به ویژه داوطلبان کارشناسی‌ارشد علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی. اگر ما واقعاً متعهد به ساختن کارمندان متنوع‌تر هستیم، باید استراتژی‌های خلاقانه و فعالانه دنبال شود.

- عدم شناخت

در حالی که نمی‌توانم به آمارهایی برای اثبات این موضوع اشاره کنم، بیش از ۳۵ سال در کتابخانه‌ها کار کرده‌ام و به طور مداوم شاهد عدم احترام به کتابداران در بسیاری از زمینه‌ها بوده‌ام. عدم توجه به کتابخانه و آنچه در اختیار جامعه قرار می‌گیرد، در سطوح پایین بودجه برای خدمات کتابخانه عمومی قابل مشاهده است. این در بودجه صفر رئیس‌جمهور، در هر چرخه بودجه نهاد خدمات موزه و کتابخانه مشهود است. این امر به روش‌هایی مشهود است که کتابداران عمومی غالباً از تیم‌های مدیریتی شهرها، یا کمیسیون‌های اساسی در سطح شهر و بخش مانند مواردی که مشغول کاوش در پهنای باند، توسعه اقتصادی یا نیروی کار هستند خارج می‌شوند. در نگاه شگفت‌زده‌ای که ناگزیر از آن دریافت کردم مشهود است، پس از طوفان هاروی در سال ۲۰۱۷، من به رهبران بخش‌های دیگر می‌گویم که آژانس مدیریت اضطراری فدرال به طور رسمی کتابخانه‌ها را به عنوان خدمات اساسی می‌شناسد (آژانس مدیریت اضطراری فدرال ۲۰۱۸، ۷۶). با این وجود، من با تعجب دیدم که کتابخانه عمومی هیوستون به سرپرستی دکتر ریا لاوسون[۹] و با حمایت نهاد آسپن، اولین آژانس در هیوستون شد که ده‌ها سازمان محلی و منطقه‌ای را در یک بحث بعد از هاروی درباره فاجعه و آموخته‌ها تشکیل داد.

من مشتاقانه منتظر روزی هستم که کتابخانه‌ها به خاطر خدمات منحصربه‌فرد و غیرقابل جایگزینی که به شهرها و بخش‌های خود ارائه می‌دهند، کاملاً شناخته شوند. عموم مردم این امر را تشخیص می‌دهند: مطالعه ۲۰۱۶ کتابخانه‌های پیو نشان داد که ۶۶ درصد از آمریکایی‌ها گفتند که بستن کتابخانه عمومی آن‌ها تأثیر عمده‌ای بر روی آن‌ها یا شخص خانواده آن‌ها خواهد گذاشت (هوریگان ۲۰۱۶). امیدوارم روزی بتوانیم بگوییم درصد مشابهی از رهبران شهر و بخش موافق هستند.

- مبارزه آموزش کتابخانه

من بیش از ۱۵ سال پیش در جلسه‌ای نشسته‌ام که یک عضو محترم هیئت‌علمی دانشکده کتابداری که اکنون درگذشته اظهار داشت که «آموزش کتابخانه مرده است». من در آن زمان شوکه شدم زیرا نمی‌توانستم ببینم که چگونه این موضوع واقعیت دارد از آنجا که من در آن زمان به عنوان سرپرست یک سیستم کتابخانه‌ای با بیش از ۳۰ شعبه با بیش از یک میلیون نفر در جنوب کالیفرنیا خدمت می‌کردم و دائماً داوطلبان کارشناسی‌ارشد علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی استخدام می‌شدند. در آن زمان چندین دانشکده کتابداری متوقف شده بود و ما شاهد ادغام دانشجویان در برنامه‌های بزرگ در مناطق مختلف کشور و گرایش جهانی نزدیک به سمت برنامه‌های کاملاً آنلاین یا ترکیبی بودیم. بعد از این سال‌ها، با این حال، آموزش کتابخانه بسیار بیش از گذشته مرده است و در حال حاضر بیش از همیشه موردنیاز است.

من کار دو برنامه را در کالیفرنیا تماشا کردم و تلاش‌های سه دانشکده ما در تگزاس را می‌بینم و از دیدگاه من به نظر می‌رسد که برخی از این برنامه‌ها تمایل زیادی به سمت مدیریت اطلاعات دارند که این امر برای جنبه‌های خاصی از این حرفه عالی است. چندین نفر از متخصصان مدیریت اسناد ما به برنامه ما می‌آیند که سطح آموزش آن‌ها برتر است؛ اما من نگران این هستم که دانشکده کتابداری همیشه مهارت‌های کامل برای کارهای کتابخانه‌های عمومی معاصر را ارائه نمی‌دهد. آیا تأثیر کافی بر مشارکت جامعه، حمایت سیاسی و خدمات بازاریابی از طریق تحلیل تقسیم‌بندی وجود دارد؟ آیا برنامه‌ها کاملاً بر اساس اصول عدالت اجتماعی استوار هستند؟ آیا دانشجویان تأثیر بالقوه کتابخانه عمومی را درک

تمامی حقوق برای مجله کتابدار 2.0 محفوظ است. نقل مطالب مجله تنها با ذکر منبع و نام نویسنده مجاز است.

می‌کنند؟ آیا به آن‌ها آموزش داده می‌شود که مبتکر و تأثیرگذار باشند؟ آیا دانشجویان برای چالش‌های دنیای واقعی آماده هستند و در عین حال اخلاق و ارزش‌های حرفه‌ای را نیز پایه‌گذاری می‌کنند؟ به نظر می‌رسد که اهمیت دارد که کتابداران حرفه‌ای آینده برای رهبری کتابخانه‌هایی آماده شوند که با پیامدهای چالش‌های گسترده اجتماعی که در بالا از جمله صحت اطلاعات، فرسایش اعتماد عمومی به نهادها و نابرابری درآمدی مورد بحث قرار گرفته‌اند، روبرو شوند.

من بسیاری از اعضای هیئت‌علمی بسیار بااستعداد دانشکده کتابداری را می‌شناسم، بنابراین به توانایی اساتید منحصربه‌فرد اعتقاد دارم تا جایی که بتوانند محتوای خود را توسعه دهند؛ اما من نگران برنامه‌هایی هستم که باید تعداد ثبت‌نام را بالا نگه دارند تا درآمد خودشان را تولید کنند و چه مواردی این‌گونه برنامه‌ها را با سایر بخش‌ها رقابتی می‌کند.

بسیار مهم است که دانشکده‌های کتابداری دانشجویان متنوعی را به خدمت می‌گیرند و آن‌ها را آموزش می‌دهند تا با راهکارهای رقابتی و پایدار، با چالش‌های اجرایی و مدیریت برنامه‌های کتابخانه خود مقابله کنند.

نتیجه‌گیری

در ابتدای این مقاله گفتم که کتابخانه‌های عمومی در یک نقطه حساس قرار دارند. موفقیت مداوم این نهاد در نحوه مدیریت این چالش‌ها نهفته است. این روندهای اجتماعی بزرگ‌تر تحت کنترل ما نیستند، اما چگونه ما پاسخ می‌دهیم. با وجود این مشکلات، هیچ‌وقت بهتر نبود که یک مدیر کتابخانه عمومی یا یک شخص کارمند باشید. ما بدترین تهدیدات علیه‌مان را مرتفع کرده‌ایم و تا زمانی که صداقت، عزم و تعهد خود را در قبال رسالت و ارزش‌های حرفه‌ای خود حفظ کنیم، معتقدم که کتابخانه عمومی تحمل خواهد کرد و در آینده رشد می‌کند.

پانویس:
Eric Klinenberg [۱]
Ben H.[۲]
Austin[۳]
Andrew Carnegie[۴]
Susan Orlean[۵]
Manoush Zomorodi[۶]
Dana Gioia[۷]
[۸]تنوع در اینجا به معنی استفاده از نیروی متخصص و کتابداران کتابخانهها مطابق با بافت جمعیتی و ویژگیهای منطقهای که کتابخانه در آنجا خدمترسانی میکند است.
Dr. Rhea Lawson[۹]

منبع:این نوشته ترجمه مطلبی با این عنوان است: Top Ten Challenges Facing Public Libraries

مترجم:حدیثه افضلی‌پور

مشخصات استناددهی به این مقاله

نویسنده(ها):	حدیثه افضلی‌پور
عنوان مقاله:	مواجهه با ده چالش مهم در کتابخانه‌های عمومی
عنوان مجله:	کتابدار ۲.۰ –(عنوان لاتین: i-Kitابdار 2.0)
دوره مجله(Vol):	۶
شماره مجله(Issue):	۲
سال(Year):	۱۳۹۹
شناسه دیجیتال(DOI):	
لینک کوتاه:	http://lib2mag.ir/11078

تمامی حقوق برای مجله کتابدار 2.0 محفوظ است. نقل مطالب مجله تنها با ذکر منبع و نام نویسنده مجاز است.

lib2mag.ir

تمامی حقوق برای مجله کتابدار 2.0 محفوظ است. نقل مطالب مجله تنها با ذکر منبع و نام نویسنده مجاز است.